

دارم من عجب منجی! راحت شده زوجانم.
وز فدیة و عدل وی، مشکل شده آسانم.
گوید به من «ای مجرم، عصیان تو بخشیدم.
شد همره تو دائم، احسان فراوانم.»
«آیات بدیعم بین، آیات رفیعم بین؛
پیغمبر و هم شاهم؛ افضل ز سلیمانم!
ای جمله گمراهان، در راه خدا آید!
من راهم و من حقم، من مرکز ایمانم.»
«ای جان و دل تشنه، من آب حیات هستم؛
هر روح پریشان را، دارویم و درمانم.
من نان سمائیم، من امر خداییم.
هم واسطه امرم؛ هم آمر فرمانم.»
مرموز ضمائر را، مستور خواطر را.
ناگفته همی دانم، نشنیده همی خوانم.
از ریشه داودی، من اصلم و من نسلم.
من تاک حقیقیم؛ من حافظ اغصانم

در آخوری پست، مسیح مولود گشت، ظاهر کرد خدا، محبتش را (۲)

تولد بیاب، در قلبهای ما، در قلبهای ما، مسیح عیسی (۲)

نور ازلی، گردیده عیان، در جسم مسیح، آمده به جهان (۲)

تولد بیاب، امروز در قلبم، با حضور خود، پر کن وجودم (۲)

چه مبارک است، تولد او، پرستش ما، شایسته او

تولد بیاب، در قلبم عیسی، مبارک بساز، زندگیم را (۲)

Dær akhori pæst, Mæsih molud gæsht, Zaher kærd khoda, Mohæbætæsh ra (2)

Tævælod biyab, Dær ghælbhaye ma, Dær ghælbhaye ma, Mæsih Eesa (2)

Nure æzæli, Gærdideh æyan, Dær jesme Mæsih, Amædeh beh jæhan (2)

Tævælod biyab, Emruz dær ghælbæm, Ba hozure khod, Por kon vojudaem (2)

Cheh mobaræk æst, Tævælude u, Pæræsteshe ma, Shayesteh u (2)

Tævælod biyab, Dær ghælbæm Eesa, Mobaræk besaz, Zendegiyaem ra (2)

۱- در آزمایشها و تنگی، خارهای تیز زندگی،

تنها بود این فکر قوی که به یادم هستی!

1- Dær azmayeshha o tængi, Kharhaye tize zendegy,
Tænha bovæd in fekre ghævi Keh beh yadæm hæsti!

تو به یادم هستی، تو به یادم هستی! از چه ترسم، ای خداوند؟ چون به یادم هستی!
To beh yadæm hæsti, To beh yadæm hæsti! Æz cheh tærsæm, ey Khodavænd? Chon beh yadæm hæsti!

۲- اندیشه‌های این جهان، در روح من کند طغیان؛

چیره شوم بر هر غمی، چون به یادم هستی!

2- Ændisheh haye in jæhan, Dær ruhe mæn konænd toghyan;
Chireh shævæm bær hær ghæmi, Chon beh yadæm hæsti!

تو به یادم هستی، تو به یادم هستی! از چه ترسم، ای خداوند؟ چون به یادم هستی!
To beh yadæm hæsti, To beh yadæm hæsti! Æz cheh tærsæm, ey Khodavænd? Chon beh yadæm hæsti!

۳- ابرهای تار آیند، روند؛ تاریکی‌ها حمله کنند؛

نومید نگردم در سختی، چون به یادم هستی!

3- Æbrhaye tar ayænd, rævænd; Tariki ha hæmleh konænd;
Nomid nægærdæm dær sækhti, Chon beh yadæm hæsti!

تو به یادم هستی، تو به یادم هستی! از چه ترسم، ای خداوند؟ چون به یادم هستی!
To beh yadæm hæsti, To beh yadæm hæsti! Æz cheh tærsæm, ey Khodavænd? Chon beh yadæm hæsti!

۴- در طوفانهای زندگی؛ در تنگی و افسردگی

می سراییم با شادمانی؛ چون بیادم هستی

Dær tufanhaye zendegi; Dær tængi o æfsordegi
Mi særayæm ba shadmani; Chon beyadæm hæsti

تو به یادم هستی، تو به یادم هستی! از چه ترسم، ای خداوند؟ چون به یادم هستی!
To beh yadæm hæsti, To beh yadæm hæsti! Æz cheh tærsæm, ey Khodavænd? Chon beh yadæm hæsti!

۱- در آسمان جدید اشکی نیست؛ آنجا غم و اندوهی نیست.
در آسمان جدید اشکی نیست؛ در آنجا فقط پیروزیست.
رنج و عذاب ما ناپدید خواهد شد؛ ما پر از جلال خواهیم شد.
با خداوندمان سکونت خواهیم داشت؛ تا ابد شادی خواهیم داشت.

۲- در آسمان جدید اشکی نیست؛ آنجا فقط شادمانیست.
در آسمان جدید اشکی نیست؛ آنجا نوای سرودیست.
اضطراب دنیا ناپدید خواهد شد؛ ما پر از جلال خواهیم شد.
با خداوندمان سکونت خواهیم داشت؛ تا ابد شادی خواهیم داشت.

۳- در آسمان جدید اشکی نیست؛ آنجا هرگز تاریکی نیست.
در آسمان جدید اشکی نیست؛ محبت و مهربانیست.
گناهان انسان پاکیزه خواهد شد؛ ما پر از جلال خواهیم شد.
با خداوندمان سکونت خواهیم داشت؛ تا ابد شادی خواهیم داشت.

آنجا اشکی نیست

در آشوب شهر گم گشته بودم راه خانه را گم کرده بودم

تو بودی که مرا دیدی، تو بودی که مرا خواندی

صدایت عاشقانه، کلامت جاودانه (۲)

Dar ashoobe shahr gom gashte budam rahe khane ra gom karde budam

(To budi ke mara didi, To budi ke mara khandi

Sedayat asheghane kalamat javedane) (2)

به آرامی مرا خواندی بلرزاندی وجود من، شدم شایسته عشقت رها کردی مرا از من
بگفتی گم نکردی ره تو هستی هر قدم با من، ز فیضت جاودان باشم بمونی تا ابد با من

Be arami mara khaandi belarzandi vojude man,
Shodam shaesteye eshghat raha kardi mara az man
Begofti gom nakardi rah to hasti har ghadam ba man
Ze fayzat javedan basham bemoni ta abad ba man

تو بودی که مرا دیدی، تو بودی که مرا خواندی

صدایت عاشقانه، کلامت جاودانه (۲)

(To budi ke mara didi, To budi ke mara khandi

Sedayat asheghane kalamat javedane) (2)

از این پس با صلیب زنده خواهم بود، کنارت تا ابد پاینده خواهم بود (۲)
تو رفتی بر صلیب عشق که تا بخشی به من هستی صلیب میکشم بردوش که هستم وارث هستی (۲)
(Az in pas ba salibat zende khaham bud, Kenarat ta abad payande khaham bud) (2)
(To rafti bar salibe eshgh Ke ta bakhsh e beman hasti salibat mikesham bar dosh ke hastam varese hasti) (2)

تو بودی که مرا دیدی، تو بودی که مرا خواندی

صدایت عاشقانه، کلامت جاودانه (۲)

(To budi ke mara didi, To budi ke mara khandi

Sedayat asheghane kalamat javedane) (2)

در آغوش پُر مهر عیسی، آنجا آرام میگیرم

در آغوش گرم منجی‌ام، آنجا ترسی ندارم

او گفت با من است، در هر جا، چون مهرش بی زوال است
در غمها، در شادیها، عیسی با من است

در آغوش پُر مهر عیسی، آنجا آرام میگیرم

در آغوش گرم منجی‌ام، آنجا ترسی ندارم

هر جا که افتم، او آنجاست، تا ما را برخیزاند
در آغوشش مرا گیرد، با من می‌خواند

در آغوش پُر مهر عیسی، آنجا آرام میگیرم

در آغوش گرم منجی‌ام، آنجا ترسی ندارم

او گفت با من است، در هر جا، چون مهرش بی زوال است
در غمها، در شادیها، عیسی با من است

در آغوش پُر مهر عیسی، آنجا آرام میگیرم

در آغوش گرم منجی‌ام، آنجا ترسی ندارم

آنجا ترسی ندارم، در آنجا ترسی ندارم

۱- در آن شبِ مقدّس و فروزان، منجی من مولود گشت در این جهان
تشنگان عالم در انتظارش، تا او ظاهر شود در جلالش
کلمه جسم گردید و آشکار شد، نوری از او بر ما طلوع نمود

تمجید کنید، سرود را بسرایید، اندر حضور آن مولود زانو زنید
اندر حضور آن مولود زانو زنید (۲)

۲- حکم مسیح محبت حقیقی است، انجیل او مژده سلامتی است
در قوت نام مسیح شود دور، غم و اندوه و آنگه بخشد سرور سرودهای شادمانی
نعمت اوست، همه از رحمت و فیض خداست

تمجید کنید، سرود را بسرایید، اندر حضور آن مولود زانو زنید
اندر حضور آن مولود زانو زنید (۲)

۳- چیزهای کهنه اینک در گذشته، با لطف او همه چیز تازه شده
معنی و عطر زندگی در عیسی است، او محور خوشبختی شما است
در او باشد جواب هر تقاضا، چون اوست یگانه فرزند خدا

تمجید کنید، سرود را بسرایید، اندر حضور آن مولود زانو زنید
اندر حضور آن مولود زانو زنید (۲)

۱- در آن شب نورانی، ملائک با شادی

مژده دادند شبانان را از آن منجی

چوپانان با آرامی، در کار شبانی

در آن نیمه شب سرد زمستانی

گریسمس، گریسمس، گریسمس، گریسمس پادشاه موعود تولد یافت

۲- با نگاه به آسمان، بین ستارگان

دیدند نوری عظیم و بسیار درخشان

از آن کوکب تابان، گشته زمین شادان

باشد فیض خدا برای همگان

گریسمس، گریسمس، گریسمس، گریسمس پادشاه موعود تولد یافت

۳- ستاره در مسیرش، می‌رساند پیغامش

ظهور منجی در بیت‌الحم نویدش

پایان رساند سفرش ایستاد در محلش

آنجا عیسی آرمیده در آخورش

گریسمس، گریسمس، گریسمس، گریسمس پادشاه موعود تولد یافت

۴- مجوسان آمدند آن خانه را دیدند

در نزد طفل با احترام زانو زدند

هدایا را آوردند آنها را گشودن

طلا و کُنْدُر و مر را تقدیم کردند

گریسمس، گریسمس، گریسمس، گریسمس پادشاه موعود تولد یافت

- ۱- در آن نیمه شب نورانی، با تسبیح آسمانی.
سرودند فوج‌های سماوی، با چنگ‌های طلایی.
چون آید شاه سلامتی، مردمان در رضامندی.
جهان در خود یابد آرامی، با سرود سماوی.
- ۲- حال نیز از آسمان ابری، آیند گروه الهی.
و آن نواهای موسیقی، شده بر دنیا جاری.
دنیای پر از غم و سختی، مملو گشته از تسلی.
همه بر جهند از شادمانی، با سرود سماوی.
- ۳- باشد غم و رنج زندگی، بر دوش انسان فانی.
درمانده شود این آدمی، از پستی و بلندی.
بنگرید ایام شادکامی، هان امید جاودانی.
شیرین شود راه زندگی، با سرود سماوی.
- ۴- واقع شد گفته آن نبی، از بیت‌الحم آید منجی.
نجات بخشد هر گنهکاری، از هر درد و عذابی.
سرایند آن سرود شادی، ملائک با هم گروهی.
همراهی کند هر انسانی، با سرود سماوی.

۱- در این دنیای بیکران، آدمیان زار و ناتوان؛

جنگ و قحطی و طوفانها، حیران کرده پیر و جوان.

دلها تپد ز اضطراب، آینده گشته چون سراب،

ابر تیره در آسمان، چیره شده بر این جهان!

آه ای مسیح، باز گشت نما! آرامی و امید ما، رویم با تو سوی سما.

آه ای مسیح، آه ای مسیح، باز گشت نما!

۲- فرمان او را بشنوید، کلامش هر جا رسانید؛

فرصت نباشد بیش از این، بیش از ظهور تخت نشین.

فرموده او بیدار شوید، انتظارها بسر رسید،

سوی ابرها نگاه کنید، فرزند خدا را بینید!

آه ای مسیح، باز گشت نما! آرامی و امید ما، رویم با تو سوی سما.

آه ای مسیح، آه ای مسیح، باز گشت نما!

۳- این است امید پر جلال، که او زداید هر ملال!

پاک نماید اشک غم را، ز چشمان گریان ما.

جفاها پایان پذیرند، شادیهها جایگزین شوند،

پروانه وار بدور او، گردیم و بال و پر زنیم!

آه ای مسیح، باز گشت نما! آرامی و امید ما، رویم با تو سوی سما.

آه ای مسیح، آه ای مسیح، باز گشت نما!

در این دنیای مغموم و فانی، فریاد کنم به سوی سما
من افسرده در زیر گناهم، خداوندا بر من رحم نما

**این قلبِ نالان در پی شادی، تنهای تنها و بی‌نوا
قلبم شکسته پر درد و خسته، خداوندا بر من رحم نما**

این روح عاصی آواره گشته، در پی لذّات دور از خدا
در بیابان این عمرِ باطل، خداوندا بر من رحم نما

**این قلبِ نالان در پی شادی، تنهای تنها و بی‌نوا
قلبم شکسته پر درد و خسته، خداوندا بر من رحم نما**

توبه می‌کنم از گناهانم، با اشکهای تلخ کنم دعا
هر چند نالایق سویت می‌آیم، خداوندا بر من رحم نما

**این قلبِ نالان در پی شادی، تنهای تنها و بی‌نوا
قلبم شکسته پر درد و خسته، خداوندا بر من رحم نما**

در پستی و بلندیها، خوانم نام قدّوست را
در تنهایی و در هرجا، آیم حضورت در دعا

عیسی، عیسی، خداوندا، صلّیت عدالت ما
ز رستاخیز تو تقدیس و در جلال کمال ما
عیسی، عیسی، خداوندا، نازل کن روح خود بر ما
عیسی، عیسی، خداوندا، جاری کن مهر خود در ما

کنون تو جان و قلبم را، پرکن از روحت خدایا
تا با روح و راستی ای جان، از تو یابم قوتم را

عیسی عیسی،... (۲)

۱- در پیشگاه تخت فیض مسیح سرود خوانیم (۲)

حضور خدا با ماست چون با دعاها رویم (۲)

۲- گر فقیریم یا غنی گر سالمیم یا بیمار (۲)

چون در دعا مصریم حضورش شود آشکار (۲)

۳- چون غمهای زمانه فکرم پریشان سازد (۲)

هرگز مایوس نگردم او بدادم می‌رسد (۲)

۴- در بلایا و سختی تنها او ملجایم است (۲)

هرگز ترکم نکرده در طریق و راه راست (۲)

۱- در تو جلال و در تو بقا است؛ ای که پرستش بر تو سزا است.

تو ازلی و تو ابدی، در تو بقا و بی تو فنا است!

۲- درگاه قدست پر از جلال، نبیند نامت هرگز زوال.

قدوس، ای قدوس، خدای پاک، محبت تو بی انتها است!

۳- نور حقیقت باشد رخشان، از تو که هستی نور جهان!

بی نور تو ما در ظلمتیم، از تو مَنور دل‌های ما است!

۴- ما مسکینان و گنهکاران، ما دردمندان و ما بیکسان،

از بهر درمان آمده‌ایم، چون که درگاہت دارالشفاست!

در جماعت راست دلان حمدت سرایم
چون تنها تو قدوسی عدالت تا به ابد
نیکویت را سرایم مهتر ستایم
نامت افراشته گردد در زمین و در آسمانها

در حضورِ تو، در آغوشِ تو، می خواهم بمانم

از تو بشنوم، عشقت بچشم

این است آرزوی من

تویی پدر و، من فرزندِ تو، دانم دوستم داری

می خواهم باشم، همیشه با تو

در حضورِ پر مهرت

Dar hozore to, dar aaghoshe to, mikhaaham bemaanam

As to beshnavam, eshghat bechesham

In ast aaresoye man

Toyee pedar O, man farzane to, daanam dostam daari

Mikhaaham baasham, hamishe baa to

Dar hozore por mehrat

در حضورِ تو، همچون نسیم، می‌بَرَد مرا

به عمق تازه، از حضورِ، می‌کِشد مرا

حضورِ تو، می‌بَرَد مرا (۲)

پُر ساز وجودم را پُر ساز از حضورت (۲)

(وجودم دست توست، قلبم سر مست توست

مرا آماده کن، به روحت تازه کن) (۲)

روح القدس، روح القدس

(یک لمس تازه کن، بندهایم پاره کن

برای آشت، مرا آماده کن) (۲)

روح القدس جاری شو، در ما (۲)

سراینده و آهنگساز: موسی رسایی

۱- در حضور خداوند، روح او در ماست
شادان و مسروریم ما، روح او در ماست
ما را از روح پر کرده، روح او در ماست
از دل او را ستاییم، روح او در ماست
ها هاللوویه، روح او در ماست (۲)

۲- خداوند شبان ماست، روح او در ماست
او راه و راستی ماست، روح او در ماست
ما را نیز حفظ می کند، روح او در ماست
هر جا ما را می برد، روح او در ماست
ها هاللوویه، روح او در ماست (۲)

۳- او شایسته حمد است، روح او در ماست
تسبیحات او را سزاست، روح او در ماست
با قوت خداوند، روح او در ماست
نامش را برافرازیم، روح او در ماست
ها هاللوویه، روح او در ماست (۲)

1- Dær hozure Khodavænd, Ruhe u dær maast
Shaadaan o mæsrrim maa, Ruhe u dær maast
Maa raa æz Ruh por kærdeh, Ruhe u dær maast
æz del u raa setaayim, Ruhe u dær maast
Ha Hallelujah, Ruhe u dær maast (2)

2- Khodaavænd shæbaane maast, Ruhe u dær maast
U raah o raastiye maast, Ruhe u dær maast
Maa raa niz hefz mekonæd, Ruhe u dær maast
Hær jaa maa raa mebæræd, Ruhe u dær maast
Ha Hallelujah, Ruhe u dær maast (2)

3- U shaayesteyeh hæmd æst, Ruhe u dær maast
Tæsbihat u raa sezaast, Ruhe u dær maast
Baa ghovvæteh Khodaavænd, Ruhe u dær maast
Naamæsh raa bæræfraazim, Ruhe u dær maast
Ha Hallelujah, Ruhe u dær maast (2)

در حضورت خدا، تسبیح می خوانم؛ محبت تو را تسبیح خوانم.
در حضورت خدا، دست برافرازم؛ دست برافرازم ای خدا

۱- (خدا را دوست دارم، دوستش دارم؛

دوستش دارم، خدا را دوست دارم) (۲)

**در حضورت خدا، تسبیح می خوانم؛ محبت تو را تسبیح خوانم.
در حضورت خدا، دست برافرازم؛ دست برافرازم ای خدا**

۲- (خدا را حمد گویم، حمدش گویم؛

حمدش گویم، خدا را حمد گویم) (۲)

**در حضورت خدا، تسبیح می خوانم؛ محبت تو را تسبیح خوانم.
در حضورت خدا، دست برافرازم؛ دست برافرازم ای خدا**

۳- (او را می پرستم، می پرستم، می پرستم؛

می پرستم، او را می پرستم) (۲)

**در حضورت خدا، تسبیح می خوانم؛ محبت تو را تسبیح خوانم.
در حضورت خدا، دست برافرازم؛ دست برافرازم ای خدا**

۱- در خاک کردند آنها، جسم عیسی را.

او که گردید مصلوب، مرد بهر ما!

کرد او ز قبرش قیام! هان غالب شد او بر دشمنان!

فتح و پیروزی نصیب او گردید! سلطنت از او است، تا ابد جاوید!

کرد قیام، کرد قیام! هلولویاه، کرد قیام!

۲- او کی ماند در قبر؟ خوار کند ما را،

نیست آنجا جای آن، پور خدا!

کرد او ز قبرش قیام! هان غالب شد او بر دشمنان!

فتح و پیروزی نصیب او گردید! سلطنت از او است، تا ابد جاوید!

کرد قیام، کرد قیام! هلولویاه، کرد قیام!

۳- گشوده قبر خود، کرد آزاد خود را!

گشت غالب او بر مرگ؛ شد شاه ما!

کرد او ز قبرش قیام! هان غالب شد او بر دشمنان!

فتح و پیروزی نصیب او گردید! سلطنت از او است، تا ابد جاوید!

کرد قیام، کرد قیام! هلولویاه، کرد قیام!

* * * * *

1- Low in the grave He lay, Jesus my Savior!

Waiting the coming day, Jesus my Lord!

2- Vainly they watch His bed Jesus my Savior!

Vainly they seal the dead Jesus my Lord!

3- Death cannot keep his prey, Jesus my Savior!

He tore the bars away, Jesus my Lord!

REFRAIN

Up from the grave He arose,

With a mighty triumph o'er His foes;

He arose a Victor from the dark domain,

And He lives forever with His saints to reign.

He arose, He arose, Hallelujah! Christ arose!

۱- در خاک کردند آنها، جسم عیسی را.

او که گردید مصلوب، مرد بهر ما!

کرد او ز قبرش قیام! هان غالب شد او بر دشمنان!

فتح و پیروزی نصیب او گردید! سلطنت از او است، تا ابد جاوید!

کرد قیام، کرد قیام! هلولیاه، کرد قیام!

۲- او کی ماند در قبر؟ خوار کند ما را،

نیست آنجا جای آن، روح خدا!

کرد او ز قبرش قیام! هان غالب شد او بر دشمنان!

فتح و پیروزی نصیب او گردید! سلطنت از او است، تا ابد جاوید!

کرد قیام، کرد قیام! هلولیاه، کرد قیام!

۳- گشود او قبر خود، کرد آزاد خود را!

گشت غالب او بر مرگ؛ شد شاه ما!

کرد او ز قبرش قیام! هان غالب شد او بر دشمنان!

فتح و پیروزی نصیب او گردید! سلطنت از او است، تا ابد جاوید!

کرد قیام، کرد قیام! هلولیاه، کرد قیام!

* * * * *

- 1- Low in the grave He lay, Jesus my Savior!
Waiting the coming day, Jesus my Lord!
- 2- Vainly they watch His bed Jesus my Savior!
Vainly they seal the dead Jesus my Lord!
- 3- Death cannot keep his prey, Jesus my Savior!
He tore the bars away, Jesus my Lord!

REFRAIN

Up from the grave He arose,
With a mighty triumph o'er His foes;
He arose a Victor from the dark domain,
And He lives forever with His saints to reign.
He arose, He arose, Hallelujah! Christ arose!

در درون جان ما غوغاست عیسی آمده
صد هزاران مژده بر دلهاست عیسی آمده
از نسیم این پیام آسمانی روز و شب
اشک شادی در دلم دریاست عیسی آمده
انتظار وعده دیدار فردا تا به کی
زآنکه امروزم همان فرداست عیسی آمده
در گلستان محبت هر گلی گوید ترا
نغمه هر بلبل شیدا است عیسی آمده
بهر دیدن پرده‌ها را یک به یک باید درید
چون برون از پرده‌ها پیدا است عیسی آمده
گوش دیگر بایدت بودن ترا تا بشنوی
در زبان ذره‌ها آواست عیسی آمده
این حدیث سوسن است و این حدیث یاسمن
این حدیث لاله صحراست عیسی آمده
کی به استدلال ما محتاج آمد آفتاب
دیده می‌بیند اگر بیناست عیسی آمده
دانشی باید ترا و گرد شی باید ترا
آفرینش سر بسر گویاست عیسی آمده
این خبر را ناطق صادق میان موج خون
آن سر ببریده یحیاست عیسی آمده
هم ز لوقا هم ز مرقس هم ز متی مژده است
هم در آن انجیل یوحناست عیسی آمده
ای که بر سر تاج زیبایی همی خواهی بیا
تاج زیبا بر سرت عیسی است عیسی آمده

نویسنده: عاشق مسیح (عیسی آمده)

۱- در دهکده‌ای به یک شب تار، آرام در آخوری محقر
گردید به سادگی پدیدار، طفلی، که شکست قلب مادر

بودند در انتظار شاهی خواهان دمی و دستگاهی

۲- بر روی زمین نداشت حتی، یک گوشه ز بهر سر نهادن
بگریست به حال شهر، گفتا، جان یافتن است جان فشاندن

بودند در انتظار شاهی تا جنگند و بخشد عز و جاهی

۳- جز مهر و وفا نکرد کاری، همراه دو دزد گشت مصلوب
از بهر چه کرد جان نثاری، جان داد، گنه نمود مغلوب

بودند در انتظار شاهی کردند عجیب اشتباهی

۴- عیسی است کنون یگانه رهبر، بر مرگ هم او مظفر آمد
نومیدی و یأس از چه دیگر، ز آن رو که خدای در بر آمد

بودند در انتظار شاهی غافل ز محبت الهی

در روح شوم، طالب، بر جسم شوم، غالب.
ز هر مذهب، در مهر شوم سالک.
بذرت می افشانم، در باغ تو می مانم.
تا آنکه ثمر آرم، در روحم و در جانم.
آن در که مؤدی نجات است، تنگ است.
و آن در که مؤدی به هلاکت، فراخ است.
در قلب تو ای دوست، چرا اینهمه جنگ است.
آن خانه بماند که، بنا بر سر سنگ است.
در روح تو می مانم، تقدیم تو این جانم،
خوشی و سلامتی، حلم و مهربانی،
تواضع و ایمان پرهیز و هم احسان.
انگور و شراب نو، حیات جاودان.

I shall seek the Spirit, so I can be victorious over flesh.
I will be free from religion.
And walk in the path of Love.
Until I bear fruit in my soul and spirit.
The door that leads to life, is narrow.
And the door leading to death, is wide.
Why is so much trouble in your heart my friend?
A house that is built on, stone will stand.
I will stay in Spirit and present my being to you,
Until I bear love, joy, peace, patience, kindness,
Goodness, faithfulness, self-control.
New wine and new grapes, eternal life.

غلاطیان ۱۶:۲۲؛ متی ۷:۱۲-۱۲:۷ Galatians 16:22; Matthew 7:12-12:7

۱- در زندگی ام، خیمه‌ای من دارم؛

گر چه فقیرم، من راضی‌ام.

اما در سما، مومنین خدا؛

دارند خانه‌ها، شاد و زیبا.

**خانه آسمان، رفیع و درخشان؛ جمع مومنان، شادند جاودان.
هان در آن، نباشم سرگردان؛ بلکه با ایمان، در آسمان.**

۲- با او غنی‌ام، تنها نمانم؛

راه تنگ روم، نومید نیستم.

رنج این دنیا، دارد انتها؛

از ربّ در سما، یابم تاج را.

**خانه آسمان، رفیع و درخشان؛ جمع مومنان، شادند جاودان.
هان در آن، نباشم سرگردان؛ بلکه با ایمان، در آسمان.**

خانه آسمان

در سایه بالهایت

با سرود تسبیح خوانم، چون قلعه جانم هستی

در سایه بالهایت

و سرایم حمد تو، افراشته دستان به تو

چون رحمت باشد بیحد

در سایه بالهایت (۲)

سرود تسبیح خوانم

در سایه بالهایت

و سرایم حمد تو، افراشته دستان به تو

چون رحمت باشد بیحد

در سایه بالهایت

در سکوت و در خلوت حضورت
از خود جدا آیم به سوی نورت
شب شعله‌ور از آتش وجودت

ای عیسی

ای نام تو بخشیده آبرویم
ای ثروت عشق تو آرزویم
هستی خود در هستی‌ات می‌جویم

ای عیسی

**تو پیروزی بر ترس و بر شکستم
تو مرهمی برای قلب خستم
در طوفانها خوانی مرا که هستم**

تنها تویی مسیح خداوندم

ای روح تو تنیده با جان من
ای نفست دمیده در نای من
امنیت آغوشت مأوای من

ای عیسی

در خلوت سخاوت حضورت
تو با منی در بیکران نورت
شب شکفته از برکت وجودت

ای عیسی

**تو پیروزی بر ترس و بر شکستم
تو مرهمی برای قلب خستم
در طوفانها خوانی مرا که هستم**

تنها تویی مسیح خداوندم

در سکوت و در خلوت حضورت
از خود جدا آیم به سوی نورت
شب شعله‌ور از آتش وجودت

ای عیسی

۱- در شب آخر شاه شاهان، نشسته بود بین شاگردان
با دستها نان را پاره می کرد، بهر شاگردان حاضر می کرد

بهر شاگردان حاضر می کرد

آنکه شکر کرد و برکت داد، گفت بگیری این تن من است
بخورید این را بیاد من، تا بماند یادگار من

تا بماند یادگار من

۲- بعد از شام برداشت پیاله را، پیاله عهد جدید را
گفت این پیاله در خون من، در آینده یادگار من

در آینده یادگار من

هر وقت این نان را شما خورید، این پیاله را شما نوشید
ظاهر خواهید کرد موت مرا، تا من باز آیم نزد شما

تا من باز آیم نزد شما

۳- هر کس این نان و پیاله را، خورد نالایق نزد خدا
آنکه آن شخص می گردد مجرم، در بدن و در خون عیسی

در بدن و در خون عیسی

زیرا هر کس این عمل کند، خورد، نوشد فتوای خود را
آنکه خواهد بود او گنهگار، در آن حضور پاک خدا

در آن حضور پاک خدا

1. Dar Shabe aakhar, Shaahē Shaahāan, Neshasteh bood, beine shaagerdaan
Baa Dast,ha Naan raa pare mikard, Bahre shagerdaan hazer mikard

Bahre shagerdaan hazer mikard

Angah shokr kard o barekat daad, Goft begirid in tane man ast
Bekhorid in raa be yaade man, ta Bemaanad yaadegaare man

Ta bemaanad yaadegaar-e man

2. Bad az shaam bardaasht piyale raa, Piyaaleye Ahde Jadid raa
Goft in piyaale dar khoone man, Dar aayandeh yaadegaare man

Dar aayandeh yaadegaar-e man

Har vaght in naan ra shomaa khorid, In piyaale raa shomaa noshed
Zaaher khaahid kard mote maraa, Taa man baaz aayam nazde shomaa

Taa man baaz aayam nazd-e shomaa

3. Pas har kas naan o piyaale raa, Khorad naalaayegh nazde khoda
Aangah aan shakhs migardad mojrem, Dar badan o dar khoone Issaa

Dar badan o dar khoon-e Issaa

Ziraa hark as in ammal konad, Khorad noshad fatvaye khod raa
Aangah khaahad bood Oo gonaahkar, Dar aan hozore paake khodaa

Dar aan hozore paak-e khodaa

۱- در شب تار و ظلمانی فرشتگان نورانی

ظاهر شدند بر شبانان شاد باشید شاد باشید

زیرا که منجی جهان ظاهر شد بر عالمیان

۲- در قنذاقه‌ای پیچیده در آخوری او خوابیده

به دیدنش بشتابیدند شاد باشید شاد باشید

چون منجی عالمیان آمده اکنون به جهان

۳- مسیح عیسی از آسمان آمده اکنون به جهان

زانو زنید حمدش کنید شاد باشید شاد باشید

نام خدا را جلال باد تا ابد او خدا باد

۱- در شب تیره شبانان، گله‌ها را پاسبان

شد فرشته نازل آنگاه، با جلال از آسمان

۲- در عجب گشتند و ترسان، گفت ایشان را سروش

مژده آورد ستم این دم، سوی من دارید گوش

۳- آنکه اندر شهر داود، گشت مولود این زمان

منجی عالم مسیحا، این است او را نشان

۴- کان سماوی طفل زیبا، آشکارا نی نهان

با قماطی بس محقر، کرد در آخور مکان

۵- پس گروهی از ملائک، آمدند از آسمان

با سرود و با ترنم، حمد کردند بیان

۶- هست در بالا جلال حق، زمین پر از رضا

صلح و آرامش ز یزدان، هست بر ارض و سما

۱- در شبی سرد در بیابان، شبانان دیدند درخشان

گشته نوری، در آن صحرا

کبریایی خداوند، ملائک که ندا دهند

مسیحا مولود گشته

بشارت، خوشی عظیم است، این نجاتی بی نظیر است

خداوند ما، انسان گشته

خداوند را، در آسمان، جلال باشد تا به ابد

و بر زمین، سلامتی باد، بین مردم رضامندی باد

قدوس، قدوس، خدای قادر، که بود، و هست، و می آید

حمد و تسبیح، بر خداوند، قادر مطلق عالم

۲- شنوم صدای تسبیح، ذکر و حمد بانگ شادی

طنین هلولویاه، جلال فوج‌های آسمان

کرده این دشت را درخشان، چه زیبا، چه مقدس

طنین عظیم بانگ شادی، از سپاه آسمانی، بر خیزید چون با هم سراید

خداوند را، در آسمان، جلال باشد تا به ابد

و بر زمین سلامتی باد، بین مردم رضامندی باد

قدوس، قدوس، خدای قادر، که بود، و هست، و می آید

حمد و تسبیح بر خداوند، قادر مطلق عالم

۱- در صحرا چشمه جاری خواهد شد؛

در صحرا بوی عطر گل خواهد آمد.

آن زمانی که خداوند حکومت کند،

صحرا گلستان خواهد شد.

گرگ با بره، شیر با میش خواهد خوابید؛

طفل با آنها بازی خواهد کرد.

ملکوت شادی و مهرِ راستین، بزودی خواهد آمد (۲)

۲- در صحرا درختان خواهند روید؛

در صحرا پرندگان خواهند سرایید.

آن زمانی که خداوند حکومت کند،

صحرا فردوس خواهد شد.

طفل شیرخوار، دستش در سوراخ مار،

هرگز گزیده نخواهد شد.

ملکوت شادی و مهرِ راستین بزودی خواهد آمد (۲)

۱- در طی سفر در نورِ سالکم، بر اوج کوهها یا درّه‌ها

"ترکت نکنم" گوید مسیحا، وعده‌ایست عالی از بهر ما

**نورِ خدایی، نورِ خدایی، تابان در قلبم، با جلالش
گو هلولویاه، مسرور و شادم، خوانم من حمد، منجی‌ام را**

۲- چون تاریکی‌ها گیردم فرا، منجی‌ام باشد هادی مرا

نورِ من اوست در وی ظلمتی نیست، همواره کنم نزد او زیست

**نورِ خدایی، نورِ خدایی، تابان در قلبم، با جلالش
گو هلولویاه، مسرور و شادم، خوانم من حمد، منجی‌ام را**

۳- با قلبی شادان در نوری تابان، سوی آسمان باشم روان

با حمد و ثنا قلبم شادمان، باشد هادیم نورِ جهان

**نورِ خدایی، نورِ خدایی، تابان در قلبم، با جلالش
گو هلولویاه، مسرور و شادم، خوانم من حمد، منجی‌ام را**

۱- در عیسی مسیح، آشتی کرده‌ایم (۲)

امیدوار هستیم، جلال خدا را یابیم
در عیسی مسیح، آشتی کرده‌ایم

۲- در عیسی مسیح، شادمان شده‌ایم (۲)

امیدوار هستیم، جلال خدا را یابیم
در عیسی مسیح، شادمان شده‌ایم

۳- در عیسی مسیح، محبت نماییم (۲)

امیدوار هستیم، جلال خدا را یابیم
در عیسی مسیح، محبت نماییم

۴- در عیسی مسیح، همیشه شاکریم (۲)

امیدوار هستیم، جلال خدا را یابیم
در عیسی مسیح، همیشه شاکریم

۵- در عیسی مسیح، بشارت می‌دهیم (۲)

امیدوار هستیم، جلال خدا را یابیم
در عیسی مسیح، بشارت می‌دهیم

۶- در عیسی مسیح، تسبیح می‌خوانیم (۲)

امیدوار هستیم، جلال خدا را یابیم
در عیسی مسیح، تسبیح می‌خوانیم

در قلب من باشد جشن و شادی (۲)

آزادم کرد مسیح باشد مرا هادی

در قلب من باشد جشن و شادی.

* * * * *

In my heart is joy and happiness (2)

Jesus has freed me and He is my guide

In my heart is joy and happiness.

۱- در قلب من (محبت)، شکوفا می شود

از روزی که عیسی را یافتم

در قلب من محبت

تنها عیسی

۲- در قلب من (شادمانی)

۳- در قلب من (آرامش)

۴- در قلب من (تحمل)

۵- در قلب من (امانت)

۶- از قلب من (حسادت)، ناپدید می شود

از روزی که عیسی را یافتم

از قلب من حسادت

تنها عیسی

۷- از قلب من (اضطراب)

۸- از قلب من (خودخواهی)

۹- از قلب من (دورویی)

۱۰- از قلب من (بدگویی)

در مصیبت‌ها و در سختی، در طوفانهای این دنیا
تنها یک چیز مرا آرامیست، که تو با من هستی ای عیسی
گر نباشد مرا همدم، از هر سو جانم در سختیست
دانم نورِ امید تو، شکافنده هر تاریکیست

**تنها امیدِ جانم عیسی، ستایم نامت را در هر جا
می‌دانم یک چیز را که تویی، تا ابد در قلبم پادشاه
با محبتِ بیمانندت، پوشانیدی زندگی‌ام را
نترسم چون تویی سلطانم، در هیاهوی این دنیا**

گر افتاده یا که ایستاده، گر خموده‌ام یا سر بلند
این امانتِ توست ای عیسی، که گیرد دستِ من در هر وضع
چیزی ندارم بهرت دهم، جز این تن و جان خسته‌ام
تسلّی ده و شفا ببخش، با فیضِ تو گیرم من مرهم

**(تنها امیدِ جانم عیسی، ستایم نامت را در هر جا
می‌دانم یک چیز را که تویی، تا ابد در قلبم پادشاه
با محبتِ بیمانندت، پوشانیدی زندگی‌ام را
نترسم چون تویی سلطانم، در هیاهوی این دنیا) (۲)**

۱- در منجیم شادان هستم؛ فیضش را سرایم هر دم.

چون بر شیطان پیروز گشتم، آزاد شدم از درد و غم.

مقام من بس رفیع است، برتر از فوج شریر است!

در این نبرد روحانی، فتح من بس نمایان است!

منجیم عیسی بهرم شد فدا، بر صلیبی بر جلجتا.

پیروزی بخشید بر هوسهایم؛ برداشت او ترس و هر گناهم را.

۲- با منجیم پیمان بستم، او را جویم، راهش پویم.

هر نوع شک را دور نمایم، تحت فیضش پیروز مانم.

مقام من بس رفیع است، برتر از فوج شریر است!

در این نبرد روحانی، فتح من بس نمایان است!

منجیم عیسی بهرم شد فدا، بر صلیبی بر جلجتا.

پیروزی بخشید بر هوسهایم؛ برداشت او ترس و هر گناهم را.

۳- اسلحه تام خدا، بخشد قوت در این دنیا.

با تکیه بر وعده‌هایش، کنم شیطان را مشوش.

مقام من بس رفیع است، برتر از فوج شریر است!

در این نبرد روحانی، فتح من بس نمایان است!

منجیم عیسی بهرم شد فدا، بر صلیبی بر جلجتا.

پیروزی بخشید بر هوسهایم؛ برداشت او ترس و هر گناهم را.

افسیان ۶

Ephesians 6

۱- در موکب ظفر مسیح، پیش رویم با قوت خدا!

عطر معرفتش افشانیم بین انسانهای بینوا!

ای مسیح قوّتِ ما ز توست؛ با شهادت و با خون توست!

تو به ما قوّت بخشیده‌ای، بر شیطان تسلّط داده‌ای!

پیروزی حاضر کردی بهر مؤمنین! (۲)

ای مسیح در تو داریم یقین! (۲)

۲- سراییم سرود پیروزی، با شادی در حضور خدا!

با ایمان بر دنیا پیروزیم، تا رویم نزد منجی ما!

ای مسیح قوّتِ ما ز توست؛ با شهادت و با خون توست!

تو به ما قوّت بخشیده‌ای، بر شیطان تسلّط داده‌ای!

پیروزی حاضر کردی بهر مؤمنین! (۲)

ای مسیح در تو داریم یقین! (۲)

۳- قلعه شیطان فرو ریزد، چون آواز شادمانی خیزد!

نه به قوّت و نه به قدرت، بلکه با روح او به جرأت!

ای مسیح قوّتِ ما ز توست؛ با شهادت و با خون توست!

تو به ما قوّت بخشیده‌ای، بر شیطان تسلّط داده‌ای!

پیروزی حاضر کردی بهر مؤمنین! (۲)

ای مسیح در تو داریم یقین! (۲)

در میان امتهای، تو را حمد گویم ای خدا؛
خدا را تسبیح خوانم در میان قومها.

رحمتش بی انتها، عظیم تا رسد به سما؛
راستی، خدا فرا می گیرد آسمانها.

بر آسمان خدایا، متعال شو؛
جلال خدا در تمامی جهان. (۲)

بر آسمان خدایا متعال شو؛
جلال خدا، جلال خدا.

جلال خدا در تمامی جهان.

مزمور ۹۷:۱۱-۱۱

در نام عیسی، در نام عیسی، داریم بس پیروزی
از نام عیسی، از نام عیسی، شیطان هست فراری

۱- چون ایستیم در نام عیسی، کی ایستد بر ضد ما

ما در نام عیسی، عیسی، داریم بس پیروزی

در نام عیسی، در نام عیسی، همیشه پیروزیم
از نام عیسی، از نام عیسی، شیطان می‌گریزد

۲- کیست که تواند در برابر نامِ قادرش بایستد

چونکه در نام اوست که ظفر و پیروزی یافته‌ایم

In the name of Jesus (2)
we'll have a victory

In the name of Jesus (2)

Demons will have to flee

Tell me who can stand before us

When we call on His Great Name

Jesus, Jesus, precious Jesus

We'll have the Victory

In the name of Jesus (2)

We'll have a victory

In the name of Jesus (2)

Demons will have to flee

در نامِ عیسی، در نامِ عیسی،

داریم بس پیروزی

از نامِ عیسی، از نامِ عیسی،

شیطان هست فراری

چون ایستیم در نامِ عیسی، کی ایستد بر ضدِ ما

ما در نامِ عیسی، عیسی، داریم بس پیروزی

In the name of Jesus (2)

We have the victory

In the name of Jesus (2)

Satan will have to flee

In the name of Jesus, Jesus,

Who on earth can stand before us

In the name of Jesus, Jesus, We have the victory

Dar nau-me Isaa (2)

Dareem bas piroozi

Az nau-me Isaa (2)

Sheytan hast farari

Chon eistim dar nau-me Isaa

Key eistad bar zedde mau

Mau dar nau-me Isaa, Isaa, Dareem bass piroozi

در وقتِ کاملت

In His Time

G Dm Am C G Dm Am C

در وقتِ، کاملت، شیرین سازی هر تلخی

C

در وقتت

Am Em G F C C7

(گر اطرافم تاریکی دلسردی و نومیدی

C G Dm

دانم نجاتم دهی در وقتت) ۲ بار

در وقتِ، کاملت مستجاب خواهی نمود

در وقتت

(پس تسلیمِ تو جانم هر فکر و آرزویم

زندگانی و موتم ای عیسی) ۲ بار

در یک شب طوفانی، در قلبم را کوبید، گفت بذار داخل شم
توی خونهات ساکن شم، تا رازم بدونی
همینکه وارد شد، توی قلبم ساکن شد، طوفان خونه خوابید
حضور پر جلالش، عطر و مهر جمالش، رایحه ایست روحانی

پرستش منو ببر به خونه، جایی که عیسی اونجاست، تا ابد مهمونه

سرور و شادی برپاست، منو ببر به خونه

پرستش منو ببر به خونه، عیسی شفای قلبم

از بس مهر بونه، شده مرحم جانم، منو ببر به خونه

گفت من او مدم که امشب، وجود تو بیدار شه

ببینی من کی هستم، چقدر مشتاق هستم، درون تو آرام شه

کسی که مهمون توست، خداست که منجی توست، می خواد باهات بمونه

سفره‌ای از محبت، برکت فیض و رحمت، برای تو بچینه

(پرستش منو ببر به خونه، جایی که عیسی اونجاست، تا ابد مهمونه)

سرور و شادی برپاست، منو ببر به خونه

پرستش منو ببر به خونه، عیسی شفای قلبم

از بس مهر بونه، شده مرحم جانم، منو ببر به خونه) (۲)

۱- دست در دست برادر؛ آیا دعا کرده‌ای؟
آیا از صمیم قلب، محبت نشان داده‌ای؟
نفرین کنندگان را، محبت نموده‌ای؟
یا فقط به محبوبان، محبت نشان داده‌ای؟
بهر همه یکسان است، محبت مسیحی؛
لعن کنندگان خود را، نیز باید محبت نمایی.
نفعی هم چون نبرم، با دل و جان می‌بخشم.
چون توانم ببخشم، بسیار شاد و مسرورم.
چون توانم ببخشم، بسیار شاد و مسرورم.

۲- دست در دست خواهرت؛ آیا دعا کرده‌ای؟
آیا چون خداوندت، محبت نشان داده‌ای؟
گر از من پیشی گیرند، ندارم حسادت.
پیروزی دیگران، بخشدم سرور و شادی.
در کلام چه فراوان، محبت نموده‌ایم.
لیکن در عمل و کردار، آیا ما محبت می‌کنیم؟
نفعی هم چون نبرم، با دل و جان می‌بخشم.
چون توانم ببخشم، بسیار شاد و مسرورم.
چون توانم ببخشم، بسیار شاد و مسرورم.

محبت مسیحی

دستک زنید ای ایمانداران فریاد شادی زنید

آه سرودی تازه بهرش سرایید

از دل خدا را حمد گویند (۲)

خدای قادر در بین ماست حمد ما او را شاد سازد

چون او را پادشاه خود سازیم جلال و شادی او آید

از دل خدا را حمد گویند (۲)

Clap, clap your hands all ye people

Shout, shout for joy to the Lord

Oh, sing, sing a new song

Let it ring in Zion

Let us rejoice and praise the Lord (2)

The Mighty One now dwells among us

He rides upon the wings of our praise

His glory and his joy surround us

As we enthrone his majesty He reigns

دستِ من در دستِ تو، می‌سرایم، نامِ تو می‌سپارم قلبم را، به درگاهِ پاکِ تو (۲)
مسیحا نور و نجاتم، هلولویاه؛ مسیحا روح و حیاتم، هلولویا
مسیحا راه و راستی، هلولویاه؛ مسیحا چشمهٔ هستی، هلولویاه

(سرود، شکرگزاری، میخوانم در نامِ تو

رحمِ تو، بیکران، می‌طلبم، روحِ تو) (۲)

دستِ من در دستِ تو، می‌سرایم، نامِ تو می‌سپارم قلبم را، به درگاهِ پاکِ تو (۲)
مسیحا نور و نجاتم، هلولویاه؛ مسیحا روح و حیاتم، هلولویا
مسیحا راه و راستی، هلولویاه؛ مسیحا چشمهٔ هستی، هلولویاه

(در حضورت شادانم، در خانهٔ تو میخوانم

از وجودت مسرورم، از بنده گناه آزادم) (۲)

میخوانم، میگوییم؛ نامت را، منجیم

حافظ، وجودم؛ منشاءِ ایمانم

مسیحا نور و نجاتم، هلولویاه؛ مسیحا روح و حیاتم، هلولویا
مسیحا راه و راستی، هلولویاه؛ مسیحا چشمهٔ هستی، هلولویاه

۱- دعا کنیم همه ما با یکدلی؛ دعا کنیم همه ما با یکدلی.

هللویا آمین؛ هللویا آمین؛ دعا کنیم همه ما با یکدلی.

۲- سرود خوانیم همه برای خدا؛ سرود خوانیم همه برای خدا.

هللویا آمین؛ هللویا آمین؛ سرود خوانیم همه برای خدا.

۳- بنگریم همه جلال او را؛ بنگریم همه جلال او را.

هللویا آمین؛ هللویا آمین؛ بنگریم همه جلال او را.

۴- بخرامیم همه به سوی سما؛ بخرامیم همه به سوی سما.

هللویا آمین؛ هللویا آمین؛ بخرامیم همه به سوی سما.

با یکدلی

**(دل ظاهر در من بیآفرین ای خدا
روح راستی در وجودم تازه ساز)(۲)**

(از حضور خود بیرون میانداز

روح قدوست را از من مگیر

شادی نجات را به من باز گردان

روح راستی در وجودم تازه ساز)(۲)

**(دل ظاهر در من بیآفرین ای خدا
روح راستی در وجودم تازه ساز)(۲)**

Created

(دلّم تنگه ولی شادم، دلّیش خوب میدانم)
خدا آمد نجاتم داد، فدایش میکنم جانم) (۲)

محبت چون از آن اوست، میان عاشقان مانم
اگر سوزم در این آتش، ز دردش نی پریشانم

خدا عشق است و مُلکِ او، از آن عاشقان دانم
بدرگاهِ گلستانش، بپردازم سر و جانم
سرشتِ گل فنا سازم، تا که راهی به گل آرم
به رسم توبه می‌آیم، خدایا چون قسم آرم

ندای تازه‌ای آمد، بپا برخیزم فرزندانم
بپا داخل به این گلشن، تا که باشم تو را همدم
پدر از فیض افزونش، محبت کرده بر عالم
و بخشیده گناهانت، بخون عیسی مریم

(دلّم تنگه ولی شادم، دلّیش خوب میدانم)
خدا آمد نجاتم داد، فدایش میکنم جانم) (۲)

۱- دلی پریشان داشتم دور از خدا

گناهان زشتم کرده بود جدا

از لجن فریاد کردم سوی خدا

از چاهم در آورد از عمق فنا

از گل و لجن نجاتم داد روی صخره جاودانی نهاد

در دلم سرودی تازه گذارد بر نام خداوند شکر و سپاس باد

۲- اکنون به روی صخره ایستاده‌ام

به مسیح محبوب این دل داده‌ام

از بیم و هراس و شک آزاده‌ام

به لطف او دل از جهان کنده‌ام

از گل و لجن نجاتم داد روی صخره جاودانی نهاد

در دلم سرودی تازه گذارد بر نام خداوند شکر و سپاس باد

۳- پس بیایید خداوند را سراییم

صخره نجات خود را ستاییم

به حضور او با حمد نزدیک شویم

با مزامیر آواز شادمانی دهیم

از گل و لجن نجاتم داد روی صخره جاودانی نهاد

در دلم سرودی تازه گذارد بر نام خداوند شکر و سپاس باد

۱- دنیا گمره بود در ظلمت عصیان نور جهان است عیسی

چه روشن نوری که به من است تابان نور جهان است عیسی

چو خوش نوری که باشد رخشان به آرامی به رویم تابان

کوری بودم بینایم الآن نور جهان است عیسی

۲- ظلمت نداریم چون هستیم در عیسی نور جهان است عیسی

روشنیم چون پیرویم هادیمان را نور جهان است عیسی

چو خوش نوری که باشد رخشان به آرامی به رویم تابان

کوری بودم بینایم الآن نور جهان است عیسی

۳- ای ساکن ظلمت در گناه اعمی نور جهان است عیسی

به نورش بنگر تا که گردی بینا نور جهان است عیسی

چو خوش نوری که باشد رخشان به آرامی به رویم تابان

کوری بودم بینایم الآن نور جهان است عیسی

۱- دنیای پر از گناه خانه من نیست؛

تمام گنجهایم در آسمان مخفی است.

فرشتگان در سما، می خوانند مرا؛

دیگر نتوانم دل بندم به دنیا.

یا رب، جز تو ندارم کسی را، گر بهشت نباشد، کجا یابم تو را؟

دیگر نتوانم دل بندم به دنیا، دیگر نتوانم دل بندم به دنیا.

۲- در آسمان همه کشند انتظارم؛

آن خون مسیحا شسته گناهام.

هر چند من ضعیفم، خداوند حافظم؛

دیگر نتوانم دل بندم به دنیا

یا رب، جز تو ندارم کسی را، گر بهشت نباشد، کجا یابم تو را؟

دیگر نتوانم دل بندم به دنیا، دیگر نتوانم دل بندم به دنیا.

۳- خانه ابدیم چه پر جلال است!

بانگ آرند «پیروزیم» مؤمنان دست در دست.

با این سرود شادی، سما در وجد است؛

دیگر نتوانم دل بندم به دنیا.

یا رب، جز تو ندارم کسی را، گر بهشت نباشد، کجا یابم تو را؟

دیگر نتوانم دل بندم به دنیا، دیگر نتوانم دل بندم به دنیا.

۱- دوخته‌ام چشمانم را، به سوی کوهها؛
اعانت من، می‌آید از کجا؟

یهوه خالق من، خداوند من،
مرا حفظ کناد، تا ابدالآباد.

۲- دوخته‌ام چشمانم را، به سوی کوهها؛
اعانت من، می‌آید از کجا؟

آفریننده یهوه، خداوند من،
مرا حفظ کناد، تا ابدالآباد.

مزمور ۱۲۱:۱-۲

۱- دو روزه عمرم شده چون نقش بر آبی

هر جلوه و جاهش ز بصر شد چو سرابی

در هر چه به بینم فنا هست و خرابی

ای آنکه بقا با تو بود پهلوی ما باش

۲- در شدت آلام حضور تو بخواهم

از وسوسه نفس به نزد تو پناهم

جز تو که بود راست نماینده راهم؟

در خوب و بد ای رب کرم پهلوی ما باش

۳- کی باک ز دشمن بودم گر تو شوی دوست؟

کی ترس حوادث بودم گر به توام رو است؟

در نزد تو گر عمر بسر رفت چه نیکوست

ای دوست مشو دور و بیا پهاوی ما باش

دورت بگردم مسیح (۴)

فدایِ چشمانِ تو، غلام و شیدایِ تو،
کجا بجویم تو را، درونِ قلبم مسیح
عزیزِ من ای مسیح، عزیزِ جانم مسیح

دورت بگردم مسیح (۲)

غلام و شیدایِ تو، مسیحِ جانم مسیح

دورت بگردم مسیح (۲)

دورت بگردم مسیح (۸)

فدایِ چشمانِ تو، پیام به رویایِ تو،
کجا ببینم تو را، درونِ قلبم مسیح

دورت بگردم مسیح (۸)

فدایِ چشمانِ تو، پیام به رویایِ تو،
کجا ببینم تو را، درونِ قلبم مسیح

دورت بگردم مسیح (۸)

۱- دوستان وقت سرور و طرب و شادی ما است

چون که میلاد مسیح موسم آزادی ما است

بسرایید در این عید بگویند تبریک

که مسیح نور جهان منجی و هم هادی ما است

موقع شکر و هم شادی است مژده این عید آزادی است

۲- ای خوش آن دم که شبانان همه خواندند تسبیح

مژده دادند که تولد شده عیسی مسیح

خاک راه قدمش با مژگان باید رفت

نام نیکش به زبان بر دگران باید گفت

موقع شکر و هم شادی است مژده این عید آزادی است

۳- منجی کل بشر از فلک علین

بهر عصیان و گناهان همه خلق زمین

متولد شده تا آن که همه عالم را

برهانند ز گنه نسل بنی نسل بنی آدم را

موقع شکر و هم شادی است مژده این عید آزادی است

دوستت دارم ای عیسی برداشتی گناهم را
مظهر صلح و صفا تو رهبر کلیسا

دوستت دارم ای عیسی، دوستت دارم ای عیسی

دوستت دارم ای عیسی، ای سلطان قلبها

دوستت دارم ای عیسی، دوستت دارم ای عیسی

دوستت دارم ای عیسی، منجی و پادشاه

دوستت دارم ای مسیح، چون بهرم فدیة شدی
چشمانم را گشودی، با روح مسیح نمودی

دوستت دارم ای عیسی، دوستت دارم ای عیسی

دوستت دارم ای عیسی، ای سلطان قلبها

دوستت دارم ای عیسی، دوستت دارم ای عیسی

دوستت دارم ای عیسی، منجی و پادشاه

دوستت دارم ای عیسی، چون نجات دادی مرا
از هر لعنت و گناه، از تاریکی و خطا

دوستت دارم ای عیسی، دوستت دارم ای عیسی

دوستت دارم ای عیسی، ای سلطان قلبها

دوستت دارم ای عیسی، دوستت دارم ای عیسی

دوستت دارم ای عیسی، منجی و پادشاه

۱- دوستت دارم خداوند، محبتت می‌کنم

دوستت دارم خداوند، ستایشت می‌کنم

جلال و حرمت تا ابدالآباد بر نام قدّوست ای منجی عالم (۲)

قدوس، قدوس، قدوس (۲)

۲- دوستت دارم روح پاک، همیشه حامیم باش

دوستت دارم روح پاک، راه و راستی و حیات

جلال و حرمت تا ابدالآباد بر نام قدّوست ای منجی عالم (۲)

قدوس، قدوس، قدوس (۲)

۳- دوستت دارم پدر جان، تو نور و حیات هستی

دوستت دارم پدر جان، پروردگارم هستی

جلال و حرمت تا ابدالآباد بر نام قدّوست ای منجی عالم (۲)

قدوس، قدوس، قدوس (۲)

سرودها: د - Songs: Dal

آهنگ	مترجم	شعر	بند اول سرودها	ردیف
			دارم من عجب منجی راحت شده زوجانم	۱.
ژیلبرت			در آخوری پست	۲.
			در آزمایشها و تنگی، خارهای تیز زندگی	۳.
			در آسمان جدید اشکی نیست، آنجا غم و اندوهی نیست	۴.
			در آشوب شهر گم گشته بودم: سراینده مهین از تاجیکستان	۵.
			در آغوش پُر مهر عیسی	۶.
			در آن شب مقدس و فروزان، منجی من مولود گشت	۷.
			در آن شب نورانی، ملائک با شادی مژده دادند	۸.
			در آن نیمه شب نورانی، با تسبیح آسمانی	۹.
			در این دنیای بیکران آدمیان زار و ناتوان	۱۰.
			در این دنیای مغموم و فانی	۱۱.
		شهریار	در پستی و بلندیها	۱۲.
			در پیشگاه تخت فیض مسیح سرود خوانیم	۱۳.
			در تو جلال و در تو بقا است	۱۴.
			در جماعت راست دلان حمدت سرایم	۱۵.
			در حضور تو	۱۶.
موسی رسایی		موسی رسایی	در حضور تو، همچون نسیم	۱۷.
			در حضور خداوند روح او در ماست	۱۸.
			در حضورت خدا، تسبیح می خوانم	۱۹.
	ف. لارودی	انگلیسی	در خاک کردند آنها، جسم عیسی را (پور خدا)	۲۰.
	ف. لارودی	انگلیسی	در خاک کردند آنها، جسم عیسی را (روح خدا)	۲۱.
		عاشق مسیح	در درون جان ما غوغاست عیسی آمده	۲۲.
			در دهکده‌ای به یک شب تار، آرام در آخوری محقر	۲۳.
			در روح شوم طالب	۲۴.
			در زندگی‌ام، خیمه‌ای من دارم	۲۵.
			در سایه باله‌ایت	۲۶.
			در سکوت و در خلوت حضورت	۲۷.
			در شب آخر شاه شاهان، نشسته بود بین شاگردان	۲۸.
			در شب تار و ظلمانی فرشتگان نورانی	۲۹.
			در شب تیره شبانان گله‌ها را پاسبان	۳۰.

			در شبی سرد در بیابان، شبانان دیدند درخشان	۳۱
			در صحرا چشمه جاری خواهد شد	۳۲
	داود طوماس	انگلیسی	Heavenly Sunlight در طی سفر در نور سالکم	۳۳
			در عیسی مسیح آشتی کرده‌ایم	۳۴
			در قلب من باشد جشن و شادی	۳۵
			در قلب من (محبت)	۳۶
			در مصیبتها و در سختی	۳۷
			در منجیم شادان هستم، فیضش را سرایم هر دم	۳۸
			در موکب ظفر مسیح پیش روم با قوت خدا	۳۹
			در میان امتهای، تو را حمد گویم	۴۰
			در نام عیسی در نام عیسی داریم بس پیروزی (۲ بند)	۴۱
			در نام عیسی، در نام عیسی (۱ بند)	۴۲
			در وقت کاملت، شیرین سازی هر تلخی	۴۳
			در یک شب طوفانی در قلبم را کوبید	۴۴
			دست در دست برادر؛ آیا دعا کرده‌ای؟	۴۵
			دستک زنید ای ایمانداران فریاد شادی زنید	۴۶
			دعا کنیم همه ما با یکدلی	۴۷
			دست من در دست تو، می‌سرایم نام تو	۴۸
جمیس		Created	دل طاهر در من بی‌آفرین: سی دی هر جا که روم (ساناز)	۴۹
			دلی پریشان داشتم دور از خدا	۵۰
شهریار		شهریار	دلم تنگه ولی شادم (شهریار)	۵۱
			دنیا گمره بود در ظلمت عصیان، نور جهان است عیسی	۵۲
			دنیای پر از گناه خانه من نیست	۵۳
			دوخته‌ام چشمانم را، به سوی کوهها	۵۴
			دو روزه عمرم شده چون نقش بر آبی	۵۵
			دورت بگردم مسیح	۵۶
			دوستان وقت سرور و طرب و شادی ما است	۵۷
			دوستت دارم ای عیسی	۵۸
			دوستت دارم خداوند	۵۹